

مبانی معرفت‌شناسی آموزش هنرهای تجسمی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مبانی معرفت‌شناختی اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران با مبانی نظریه ارتباط‌گرایی یادگیری الکترونیک و آموزش هنرهای تجسمی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی انجام شده است. روش تحقیق از لحاظ هدف نظری و از لحاظ نوع داده‌ها کیفی است. به منظور تحقق هدف فوق از روش تحلیل منطقی فرارونده استفاده شده است. در تحلیل منطقی فرارونده شرط امکان تحقق یافتن تجربه‌ای بشری معین می‌گردد. جامعه آماری در این پژوهش در بخش مطالعه مبانی معرفت‌شناختی شامل کلیه منابع و پژوهش‌های انجام شده و مرتبط با مبانی معرفت‌شناختی اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران و مبانی نظریه‌های پداگوژیکی الکترونیک که از سایت‌ها و منابع معتبر علمی و اسناد رسمی نظام تربیتی ایران تهیه شده است. پژوهش با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفته و شیوه ایده‌آل در این نمونه‌گیری آن است که تا حد اشباع ذهنی دست به انتخاب زده شود؛ سپس با توجه به نظرات متخصصان در مرحله کمی تعدیل و اصلاح گردید. پس از اصلاح، موارد نتایج به دست آمده نشان داد، برای تحقق اهداف تربیتی هر نظام آموزشی به‌طور اعم و نظام آموزشی الکترونیک به‌طور اخص، روش‌های خاصی را در هدایت فعالیت‌ها و در برنامه‌ریزی به کار می‌گیرند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مبانی معرفت‌شناسی آموزش هنرهای تجسمی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی.
۲. بررسی اهداف تربیتی هر نظام آموزشی به‌طور اعم و نظام آموزشی الکترونیک.

سوالات پژوهش:

۱. مبانی معرفت‌شناسی آموزش هنرهای تجسمی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه است؟
 ۲. اهداف تربیتی هر نظام آموزشی به‌طور اعم و نظام آموزشی الکترونیک چگونه محقق می‌شود؟
- کلیدواژه‌ها:** معرفت‌شناختی، اسناد بالادستی، آموزش و پرورش، پداگوژی، یادگیری الکترونیک.

مقدمه

معرفت‌شناختی یا نظریه معرفت، شاخه‌ای از فلسفه است که به بررسی ماهیت و حدود معرفت، و پیشرفت‌ها و مبانی آن می‌پردازد و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد (حسین‌زاده، ۱۳۸۲). معرفت‌شناسی همان زمینه فلسفی است که امکان این‌گونه ارزیابی‌ها را فراهم می‌کند. باتوجه‌به آنکه همه زمینه‌های دانش با ارزیابی باورها سروکار دارند که متناسب با چگونگی این باورها ارزیابی آن‌ها با روش‌های گوناگون انجام می‌پذیرد، هدف ارزیابی معرفت‌شناختی با آنچه در این زمینه مطرح است کاملاً فرق دارد؛ یعنی، معرفت‌شناسی به‌دنبال ضابطه‌هایی برای ارزیابی نمی‌پردازد، بلکه عهده‌دار بیان ضابطه‌های کلی در ارزیابی باورهاست. معرفت‌شناسی به‌دنبال ضابطه‌هایی برای ارزیابی باورهای آدمی است. براساس این نگرش، بعضی معرفت‌شناسان، معرفت‌شناسی را به‌گونه‌ای متفاوت از یکدیگر تعریف کرده‌اند. در معرفت‌شناسی خردگرا، دکارت، لایبنیتس، و به‌خصوص کانت از معروف‌ترین فیلسوفان خردگرایی‌اند. دکارت با طرح مسئله ثنویت به پیدایش دو جریان متضاد معرفتی ایده‌آلیستی و مکانیکی و ذهن و بدن اشاره دارد. ذهن بر بدن و بدن بر ذهن تأثیر می‌گذارد. به نظر وی، مفاهیم ریاضی از قبیل خط و نقطه و نظایر آن نمونه‌هایی هستند که در عالم تجربه هیچ نمونه‌ای از آن‌ها را ندیده‌ایم و برچسبی فطری منبع آن‌ها را توصیف می‌کند، زیرا تنها از ذهن هوشیار حاصل می‌شوند. لایبنیتس فلسفه دکارت را پذیرفت و به صرف جمع میان نظریه تجربی و نظریه فطری اکتفا نکرد و به تأسیس فلسفه معرفتی منادلژی و هماهنگی پیشین بنیاد پرداخت (سرمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

کانت نیز ابتدا اعتبار عقل را مطلق می‌دانست، ولی بعد با تأسی از هیوم، به انتقاد از عقل پرداخت. به اعتبار صحیح‌تر، این سؤال را مطرح کرد که با عقل تا چه اندازه واقعیت را می‌توان شناخت. وی با طرح احکام چهارگانه و ترکیبی پیشینی و پسینی، و تحلیلی پیشینی و پسینی و قدرت شناخت در انسان را مطرح کرد (شعبانی ورکی، ۱۳۸۳). در معرفت‌شناسی مدرن، علم و معرفت چیزی است که یادگیرندگان می‌سازند نه چیزی که از معلمان خود دریافت می‌کنند. معرفت‌شناسی انسان‌گرایی متأثر از اگزیستانسیالیسم بر شهودگرایی تأکید شده است؛ درحالی‌که در معرفت‌شناسی مدرن عمل‌گرایی بر کل‌گرایی تأکید دارد. از نظر عمل‌گرایی مدرن، مثل اندیشه‌های کواپن، ساختاری واحد بر کل معرفت وجود دارد که هرگونه تقسیم‌بندی از نوع تحلیلی تألیفی در آن متصور نیست. از این منظر، مسئله‌محوری باعث امکان استفاده از پاره‌ای مختلف دانش در رابطه با یک مسئله شده است. عمل‌گرایان مدرن از دیدگاه کثرت‌گرا به‌خصوص دیدگاهی تحلیلی انتقاد کرده‌اند. در نقطه مقابل عمل‌گرایی، فرانوگرایی از قبیل هنری ژبرو، هابر ماس، لیوتار، و رورتی قرار دارند که بر معرفت‌شناسی توافق یا پارالوژی تأکید دارند. در معرفت‌شناسی پارالوژی مشروعیت‌بخشی توافق بر کثرت‌گرایی، بی‌توافقی، و نوآوری و خلاقیت مبتنی است. فرانوگرایی با نگاهی انتقادی به نوگرایی به تعریف مجدد مسائل و تجدید مناسبات آن پرداخته‌اند (باقری، ۱۳۸۶). سازنده‌گرایی یک فلسفه یادگیری است که بر ساختن دانش توسط یادگیرندگان به‌صورت انفرادی و اجتماعی اشاره دارد (هین، ۱۹۹۲، به نقل از فردانش و شیخی فینی، ۱۳۸۱). پیازه و ویگوتسکی بدون اغراق از چهره‌های کلیدی سازاگرایی و سازاگرایی اجتماعی به‌شمار می‌روند و دو مفهوم نزدیک به‌هم دیگر نزد پیازه و ویگوتسکی وجود دارد: مفهوم (منطقه نزدیک توسعه)^۱ نزد ویگوتسکی و (عدم تعادل)^۲ نزد پیازه؛ ولی هر دو به تأثیر یادگیری بر توسعه و ضرورت اینکه یادگیرنده

^۱. zone de développement proximal

^۲. desequilibre

به کمک ابزارهایی که در اختیار دارد و از محیط در اختیار می‌گیرد، یاد می‌گیرد و می‌آموزد. دیدگاه این دو به‌ویژه بر آموزش و رویکردهای آموزشی بر فعالیت دانش‌آموزان در حین یادگیری و پرهیز از انتقال دانش تأکید دارد. و معتقدند اینکه یادگیرنده دانش خود را بسازد باید با مانع مواجه شود و بازنمایی‌های خود را مورد پرسش قرار دهد و دانش‌آموز در تعامل اجتماعی بهتر یاد می‌گیرد. ویگوتسکی در دیدگاه سازاگرایی اجتماعی، توسعه اندیشه برای ابزار معنایی در فرهنگ‌ها نقش محوری قائل است و فرآیند یادگیری و تدریس را در جهت ابعاد اجتماعی و فرهنگی هدایت می‌کند (گوتیه و تاردیف، ۱۳۹۲).

سرمدی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه مبانی معرفت‌شناسی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی» به این نتیجه نائل شد که شبکه‌های اجتماعی، ابزار قوی برای ایجاد یک محیط آموزشی هستند و با پشتوانه ارتباط‌گرایی در ادامه نسل‌های جدید آموزش از دور مطرح شوند. همچنین کارکرد معرفت‌شناسی ذیل چتر فلسفی تربیتی ارتباط‌گرایی برای عناصر اصلی آموزش از طریق مجازی تبیین شده است. رضایی و حیدرزادگان (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «باز تعریف فضای مجازی براساس سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش» به نتایجی رسیدند که آموزش و پرورش الگوی خاصی را در گسترش مدارس بهره‌مند از فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی به شکل استاندارد در نظر گرفته و محیط یاددهی چندرسانه‌ای را به اجرا می‌گذارد. پورآقا (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «تأملات فلسفی در باب واقعیت و فضای مجازی در تعلیم و تربیت» پرداخته است و رویکردها و دیدگاه‌های فلسفی را در ارتباط با فناوری اطلاعات فضای مجازی و تعلیم و تربیت را مدنظر قرار داده است و به سیطره خواسته و ناخواسته فناوری اطلاعات و فضای مجازی بر سپهر تعلیم و تربیت اذعان دارد و خواهان نگاه مجدد به بحث فناوری در مباحث تعلیم و تربیت است. تلخابی (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «تامل تربیتی در رابطه میان شناخت و فناوری»، به دو اصل اشاره دارد که اصل اول به آثار فناوری شناختی بر ذهن مغز معطوف است و این ملاحظه را تصحیح می‌کند که در انتخاب نوع و میزان کاربرد فناوری‌ها باید قطع شود تا استفاده از آن‌ها موجب کاهش یا تضعیف عملکرد طبیعی ذهن / مغز نشود، اصل دوم به کاربست فناوری‌های اشاره دارد که همسو با فناوری‌های طبیعی ذهن / مغز است و از کنش تربیت به‌منزله فعالیت انسانی مراقبت می‌کند. باتوجه‌به اینکه در جامعه فناورانه‌گریزی از فناوری شناختی وجود ندارد، بنابراین مریمان باید به تصریح ملاحظات تربیتی ناظر بر کاربرد این نوع فناوری‌ها بپردازند و کنش‌های والدین و مدارس را هدایت کنند، شاید این کار از طریق تعیین چارچوب منطقی کاربست فناوری شناختی قابل حصول باشد.

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف نظری و از لحاظ نوع داده‌ها کیفی است. هدف پژوهش تبیین مبانی معرفت‌شناختی اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران با مبانی نظریه ارتباط‌گرایی یادگیری الکترونیک و آموزش هنرهای تجسمی با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی مجازی است. به منظور تحقق هدف فوق از روش تحلیل منطقی فرارونده استفاده شده است. در تحلیل منطقی فرارونده شرط امکان تحقق یافتن تجربه‌ای بشری معین می‌گردد. باتوجه‌به تبیین مبانی معرفت‌شناختی پژوهش حاضر شروط پذیرفته‌شده مبتنی بر اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران و نظریه ارتباط‌گرایی یادگیری الکترونیک است. حوزه پژوهش شامل منابع موجود پیرامون اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران، مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه، نظریه ارتباط‌گرایی و مبانی پست‌مدرنیسم و کتب و مقالات نوشته شده در این زمینه‌ها می‌باشند. جامعه آماری در این پژوهش در بخش مطالعه مبانی معرفت‌شناختی شامل کلیه منابع و پژوهش‌های انجام شده و مرتبط با مبانی معرفت‌شناختی اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران و مبانی نظریه‌های

پداگوژیکی الکترونیک که از سایت‌ها و منابع معتبر علمی و اسناد رسمی نظام تربیتی ایران تهیه شده است. برای نمونه‌گیری به علت کثرت منابع در این حوزه، از کلیه متون نظری، از هر دیدگاه، موارد عینی برای مطالعه انتخاب شد تا قیاس‌پذیری را از طریق تعریف موضوع امکان‌پذیر کند و در عین حال به روی نگرش‌های مربوط به آن‌ها بازماند. این روش با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفته و شیوه ایده‌آل در این نمونه‌گیری آن است که تا حد اشباع ذهنی دست به انتخاب زده شود. برای جمع‌آوری اطلاعات، منابع چاپی و دیجیتالی موجود در کتابخانه‌ها، بانک‌های اطلاعاتی، مجلات و کتاب‌های الکترونیک و مقاله‌ها و اسناد و مدارک مرتبط با مفاهیم معرفت‌شناختی مربوط به اسناد بالادستی نظام تربیتی ایران و مبانی نظریه‌های پداگوژیکی الکترونیک مورد مطالعه قرار گرفت. در روش تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش قیاسی استفاده شد. با ارائه تعریفی از مقوله و خلاصه کردن تحلیل محتوای داده‌ها به این منظور که گزاره‌هایی که ارتباط چندانی با پژوهش ندارند یا آن‌هایی که دارای معانی مشابه هستند کنار گذاشته شود (تلخیص اول)، گزاره‌های مشابه دسته‌بندی می‌شود (تلخیص دوم)، در اینجا از طریق کنار گذاشتن گزاره‌هایی که در عبارت‌ها، تعمیم داده شده کنار گذاشته می‌شود و گزاره‌های مورد نظر انتزاعی تر و تلخیص می‌شوند. در تحقیقات کیفی، اعتبار داده‌ها به میزانی که یافته‌های تحقیق بیانگر واقعیت باشد، اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر، برای تعیین باورپذیری یافته‌ها در سطح تحلیل محتوا بعد از تجزیه و تحلیل مبنای نظری به شیوه کدگذاری موضوع این نتایج به دست آمده در اختیار متخصصان حوزه تعلیم و تربیت قرار داده شد و بعد از اخذ نظرات آن‌ها اقدامات اصلاحی انجام و تجدیدنظر به عمل آمد. در خصوص اطمینان‌پذیری محققان این حوزه بیشتر به مباحثی چون قابل اعتماد بودن منابع جمع‌آوری شده و صحت آن‌ها و دقت در به‌کارگیری اجرای پژوهش و باتوجه به خاص بودن هر یک از روش‌های پژوهش کیفی فرمول‌بندی مجدد می‌شود.

نتیجه‌گیری

چه تبیینی از مبانی معرفت‌شناختی نظریه‌های نوین پداگوژی یادگیری الکترونیک می‌توان ارائه نمود؟ برای تحقق اهداف تربیتی هر نظام آموزشی به‌طور اعم و نظام آموزشی الکترونیک به‌طور اخص، روش‌های خاصی را در هدایت فعالیت‌ها و در برنامه‌ریزی به‌کار می‌گیرند. دست‌یابی به این اهداف متضمن تدریس و تدریس متضمن معرفت و معرفت متضمن فن و روش است. روش تدریس و یادگیری نزدیک‌ترین ارتباط را با معرفت‌شناسی یا نظریه شناخت دارد. با تحول مبانی نظری و ماهیت علم، رویکردهای جدیدی در تعیین اهداف تربیتی و فرآیند آموزش طراحی شدند. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با ظهور نظریه نسبت‌انیشتن (۱۸۴۵-۱۹۱۲)، مکانیک کوانتوم و اندازه‌گیری مسائل کوانتومی که از سوی نیلز بور (۱۸۸۷-۱۹۶۱)، اروین شرودینگر (۱۸۸۷-۱۹۶۱) مطرح شد، و اصل عدم قطعیت وارنرهایزنبرگ (۱۹۰۱-۱۹۷۶) از این دست رخدادهای علمی بودند. کشفیات جدید نشان داد که قوانین حاکم بر دنیا نیوتنی نبوده و همواره براساس نظام و قوانین خطی قابل تفسیر نیست. لذا در اوایل قرن بیستم قوانین طلابی مدرنیسم اعتبار خود را از دست داد و پارادایم‌های جدید پست‌مدرنیسم و پیچیدگی شکل گرفتند. اصطلاحاتی مانند: برآمدن، سیستم‌های انطباق‌یابنده، سیستم‌های خودسازمان‌دهنده در قلب علوم پیچیدگی واقع شده است. زیمنس در کتاب «شناخت دانش» برای نشان دادن پیچیدگی از استعاره «زیست‌بوم یا بوم‌شناخت» استفاده می‌کند. از نظر او زیست‌بوم‌ها و شبکه‌ها منعکس‌کننده اصول پیچیدگی و آشوب هستند.

منابع و مأخذ:

آتشک، محمد. (۱۳۸۶). «مبانی نظری و کاربردی یادگیری الکترونیکی». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۴۳-۱۳۴.

باقری، خسرو. (۱۳۸۶). دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نشر علم.

تلخابی، محمود. (۱۳۹۷). «تأمل تربیتی در رابطه میان شناخت و فناوری». نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران فضای مجازی و فلسفه تربیت، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

حسین‌زاده، محمد. (۱۳۸۲). پژوهش تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

سرمدی، محمدرضا؛ صیف، محمدحسن؛ طالبی، سعید. (۱۳۹۱). مبانی نظری و فلسفی آموزش از دور، تهران: دانشگاه پیام نور.

کاظم‌نژادی، حبیب‌الله؛ نعمت شهربابکی و میرنژاد، سمیه. (۱۳۹۹). «چالش‌های آموزش مجازی درس عملی خوشنویسی و طراحی حروف در دانشگاه». همایش ملی مجازی‌سازی دروس کارگاهی و عملی رشته هنر، چالش‌ها و راهکارها.

محمودی، مهدی؛ اکبرزاده، رقیه. (۱۳۹۹). «جایگاه فضای مجازی در توسعه روش‌های تدریس مبتنی بر هنر و زیباشناسی». کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام.

Cronje, J. C. (۲۰۱۸). *Association for Educational Communications and Technology*. Cape Peninsula: University of Technology.

Kultawanich, K.; Koraneekij, P. & Songkhla, J. N. (۲۰۱۵). A proposed model of connectivism learning using cloud-based virtual classroom to enhance information literacy and information literacy self-efficacy for undergraduate students. *Social and Behavioural Sciences*, ۱۹۱, ۸۷ – ۹۲.

Hung, N. M. (۲۰۱۴). Using ideas from connectivism for designing new learning models in Vietnam. *International Journal of Information and Education Technology*, ۴ (۱), ۷۶-۸۲.

Habermas, j. (۱۹۹۰). A Review Of Gadamer's Truth and Method. In G. L. Ormiston & A.D. Schrift (Ed). *The Hermeneutic Tradition*. pp. ۲۱۳-۲۴۴.

Techakosit, S. & Wannapiroon, P. (۲۰۱۵). Connectivism learning environment in augmented reality science laboratory to enhance scientific literacy. *Social and Behavioural Sciences*, ۱۷۴, ۲۱۰۸ – ۲۱۱۵.

Mayer. R.E. (۲۰۰۱). *Multimedia Learning*. Cowbridge University Press .

McFeeters, Forrest E. (۲۰۰۳). "the effects of individualism Vs. collectivism on learners recall, transfer and attitudes toward collaboration and individualized learning". dissertation submitted to the faculty of the Virginia polytechnic institute and

state university in partial fulfillment of requirements for the degree of doctor of philosophy in curriculum and instruction.

Nelson, A. F. (۲۰۱۷). *Constructivism International Practices and Teacher to Beliefs Related to Secondary Science*.

King, M. L. (۲۰۱۷). *A Social Constructivism Decision-Making Approach to Managing Incidental Findings in Neuroimaging Research* ETHICS & BEHAVIOR, Taylor & Francis Group, LLC, ۱-۱۸

Atashk, M. (۱۳۸۶). Theoretical and practical foundations of e-learning. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. Pp. ۱۳۴- ۴۳.(in persian)

Bagheri, Kh. (۲۰۰۷). *New Perspectives on the Philosophy of Education*, Alam Publishing, Tehran. (in persian)

Talkhabi, M. (۱۳۹۷). Educational Reflection on the Relationship between Cognition and Technology, Ninth Conference of the Iranian Philosophy of Education Association Cyberspace and Philosophy of Education, Sistan and Baluchestan University. (in persian)

Hosseinzadeh, M. (۱۳۸۲). *Comparative Research in Contemporary Epistemology*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing Center. (in persian)

Sarmadi, MR., & Seif, Mohammad H. & Talebi, S. (۲۰۱۲). *Theoretical and philosophical foundations of distance education*, Tehran: Payame Noor University. (in persian)